

قید از دیدگاه دستورنویسان کهن و نو

محمد رضا بساق زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد دزفول

چکیده

گفتار «پراکندگی در مقوله قید»، پس از مقدمه‌ای کوتاه، در سه مبحث به ترتیب زیر تهیه و تنظیم شده است:

مبحث اول: تعریف‌های مختلف قید از دیدگاه دستورنویسان کهن و نو و ارزیابی نقاط قوت و ضعف هر یک.

مبحث دوم: اختلاف دیدگاه کارشناسان فن دستور زبان درباره قید، که تنه اصلی مقاله را دربرمی‌گیرد. در این بخش، اختلاف دیدگاه صاحب‌نظران زبان پیرامون مفاهیم قیدی طبق شواهد و قراین کافی، به‌طور جامع و دقیق بحث و بررسی شده است.

مبحث سوم: بخش شاخص‌هاست و آن معرفی پیشگامان قید از حیث دستور تاریخی، معیار، ساختاری، علمی، گشتاری و سایر موارد است که شناخت نظریه این عزیزان خالی از لطف نیست.

مقاله با یک نتیجه‌گیری کلی از مباحث یادشده به پایان می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: پراکندگی، قید، دستور زبان کهن و نو، نقاط قوت و ضعف.

مقدمه

یکی از مباحث پیچیده و بحث‌برانگیز دستور زبان، مقوله «قید» است. این مبحث از مهم‌ترین مباحث زبان بوده که متأسفانه ناشناخته باقی مانده و تعریف درست و جامعی از آن نشده است و به علاوه، تعاریف موجود نیز کامل و طبقه‌بندی شده نیست و ابعاد و زوایای آن از دید بیشتر دستورنویسان دور مانده است.

از این رو بر آن شدیم تا این مبحث مهم را به‌طور دقیق و گسترده تجزیه و تحلیل کنیم. در این گفتار:

1- ابتدا سعی شده تا ضمن ارج نهادن به تعاریف مطرح شده از سوی کارشناسان فن دستور، تعاریف قیدی به‌طور جداگانه ارزیابی و نقاط قوت و ضعف هر کدام تجزیه و تحلیل شود.

2- بخش دیگر سخن، اختلاف دیدگاه کارشناسان درباره «قید» است. مطالب این بخش بیشتر بر پایه قیاس بنا شده و مقایسه‌ای است بین نظریه صاحب‌نظران و نزدیک‌گرداندن دیدگاه آنها به یکدیگر.

3- بخش دیگر سخن، که تنه اصلی مقاله را دربرمی‌گیرد، تفاوت نظر کارشناسان در زمینه قید (از نظر معنی و مفهوم) است. این قسمت نیز به‌طور جامع و دقیق با عنوان «پراکندگی در مقوله قید» بررسی شده است.

4- درباره واژه‌هایی مانند «همیشه»، «لان»، «خیلی» و ... از نظر طبقات دستوری، در میان بزرگان قوم اختلاف نظر بسیاری مشهود است. این قسمت از سخن نیز با آوردن شواهد و قراین کافی، به‌طور دقیق و کامل تجزیه و تحلیل شده است.

5- بخش دیگر سخن اختصاص دارد به معرفی پیشگامان قید در دستور تاریخی زبان، دستور معیار، دستور ساختاری، علمی، گشتاری و سایر زبان‌ها که شناخت نظریه عزیزان خالی از لطف نیست.

6- سخن با یک نتیجه‌گیری کلی و جمع‌بندی از مطالب و مباحث مندرج در مقاله و نیز تعریف پیشنهادی، آن‌چنان که تمامی ابعاد و زوایای قیدی را دربرگیرد، به پایان می‌رسد.

مباحث یادشده در این مقاله شامل سه بخش به ترتیب زیر است:

بخش نخست: تعاریف

بخش دوم: اختلاف دیدگاه‌ها

بخش سوم: پیشگامان عالم قید

* * *

بخش نخست: تعاریف

در این بخش از سخن، ضمن ارج نهادن به نظرات ارزشمند صاحب‌نظران در زمینه معرفی قید، باید گفت تاکنون هیچ‌کدام از کارشناسان تعریف درست و دقیقی در این زمینه ارائه نداده و تعاریف‌های موجود، جامع و طبقه‌بندی

شده نیست. بنابراین بر آن شدیم تا ابعاد و جوانب این تعریف‌ها را از زوایای مختلف بررسی و نقاط قوت و ضعف هر یک را به‌طور جداگانه تجزیه و تحلیل کنیم.

1- پیشگام مقوله قید از حیث گستردگی و شرح مطالب

در یکی از کتاب‌های دستور، «قید» به‌طور مشروح و جامع در 173 صفحه معرفی شده است. (فرشیدورد 1380: 207-69)

اکنون به برخی از مطالب یاد شده نظری کوتاه می‌اندازیم.

این موارد جز بحث قید از نظر طبقات دستوری (مختص و مشترک) (معنی و مفهوم)، (وابستگی) و (ساختمان) است:

«قید تفضیل (69)، نشانه‌های جمع و قید (91)، قید در تاریخ بیهقی (95)، ی نکره و قید (99)، ضمیر متصل و قید (107)، قید همراه حروف اضافه (115)، قیدها و گروه‌های قید پرسش (123)، قیدها و گروه‌های قیدی اشاره‌ای (133 تا 180)، قید در زبان‌های فارسی پیش از اسلام (181)، نکاتی چند دربارهٔ مقایسهٔ قید در دستور زبان فارسی و فرانسه و انگلیسی (199)، تعریف قید در زبان فرانسه (201)، اقسام قید در زبان فرانسه (202)، پسوندهای قید در زبان فرانسه (203)، متمم‌های قیدی در زبان فرانسه و انگلیسی (203)، قیدهای جفتی در زبان فارسی و فرانسه و انگلیسی و عربی (204) و ده‌ها نمونه دیگر». (همان)

ارزیابی

در این تعریف حق مطلب قید به‌طور کامل ادا شده و به نظر نمی‌رسد در هیچ‌یک از کتب دستوری، ابعاد مختلف قیدی این چنین تجزیه شده باشد، به‌ویژه بررسی قید از نظر «طبقات دستوری»، «وابستگی» و «ساختمان» و نیز مقایسهٔ قید در زبان‌های مختلف از جمله دری، پهلوی، اوستایی، انگلیسی، فرانسوی و عربی، که در نوع خود بی‌نظیر است.

2- کوتاه‌ترین سخن در مورد مبحث قید

بررسی مقولهٔ قید تنها در دو صفحه (ناتل خانلری 1380: 71)

ارزیابی

این تعریف مطلبی برای گفتن در بر ندارد.

3- پیشگام مقوله قید از حیث کثرت در معنی

قید از نظر معنی و مفهوم بر چهل و دو نوع است. (ارژنگ 1381: 86)

اکنون به بعضی از معانی و مفاهیم قید، نظری کوتاه می‌اندازیم. (البته به جز قیدهایی معروف و رایج) قید نتیجه، قید هدف، قید وسیله، قید همراهی، قید موضوع، قید جنبه و لحاظ، قید منبع و مأخذ، قید خلاف، قید شرط، قید مقابله، قید جنس، قید تمایز و قید سلب. قید جمله: شامل قید مطابقت، قید نگرش، قید تقریب، قید افزایش، قید احتمال، قید آرزو، قید بیان مطلب و دهها نمونه قید دیگر. (همان)

ارزیابی

به نظر نمی‌رسد تاکنون کسی توانسته باشد از نظر خلاقیت و ابتکار این همه معانی و مفاهیم تازه و نو خلق نماید. در این نظریه تمامی ابعاد قیدی (از نظر معنی و مفهوم) از زوایای مختلف تحلیل شده که در نوع خود بی‌نظیر است.

4- اقلیت در معانی

قید از نظر معنی و مفهوم بر سه نوع است: حالت، زمان، مکان. (ناتل خانلری 1380: 72)

5- ایجاز در معرفی قید

قید: کلمه یا گروهی از کلمات است که مفهومی تازه به فعل می‌افزاید. (ارژنگ 1381: 86)
قید: کلمه‌ای که معنی و مفهوم فعل را به چیزی مقید می‌سازد. (مرزبان‌زاد 1368: 57)

ارزیابی

به این تعریف‌ها در عین ایجاز دو ایراد وارد است:

- 1- قید تنها کلمه نیست بلکه ممکن است به صورت گروهی (در مورد تعریف دوم) نیز به کار رود. مانند: عصا به‌دست، جان بر کف، قلع باده به‌دست و یا حتی ممکن است به‌صورت جمله نیز درآید. مانند: او در حالی که می‌گریست، آمد.
- 2- قید: تنها به فعل ختم نمی‌شود و تنها مفهومی تازه به فعل نمی‌افزاید. بلکه ممکن است مفهومی تازه به صفت، مصدر، مسند، قید دیگر و حتی جمله نیز بیفزاید. مانند: گل بسیار زیبا - تند رفتن

خدا بسیار مهربان است - او خیلی زود آمد - او در حالی که می‌خندید آمد.

قید جمله

قید قید

قید مسند

6- جامع‌ترین تعریف قید

6-1) قید: کلمه یا گروهی است از کلمات، که مفهومی به مفهوم فعل و نیز گاهی به مفهوم صفت یا مسند یا قید دیگر و یا مصدر می‌افزاید و توضیحی درباره آن می‌دهد و آنها را با آن مفهوم جدید مقید می‌کند. (انوری - گیوی 1382: 218)

6-2) قید: کلمه‌ای که مضمون جمله یا فعل و یا صفت یا قید یا گروه وصفی یا قیدی یا فعلی و یا هر کلمه دیگری به جز اسم را مقید کند و چیزی به معنی آن بیفزاید. (فرشیدورد 1380: 86)

ارزیابی

به نظریه 6-2) هر چند جامع است، دو ایراد وارد است:

الف - قید تنها کلمه نیست، بلکه ممکن است گروه و حتی قید جمله نیز باشد.

ب - قید ممکن است مصدر را نیز که خود نوعی اسم است و در مقوله اسم جای دارد، مقید و وابسته خود نماید. مانند: آهسته حرکت کردن.

7- دلنشین‌ترین تعریف قید (معرفی مختصر و مفید قید)

بخشی از سخن است که فعل به آن نیازمند نیست. به همین دلیل از جمله قابل حذف است. گروه قیدی جنبه توضیحی دارند. (وحیدیان کامیار 1379: 104)

ارزیابی

این تعریف سه بعد اساسی ویژگی‌های قید را در بر دارد:

1- نیازمند نبودن فعل به قید

2- قابلیت حذف قید

3- جنبه توضیحی قید

8- قدیمی ترین تعریف قید

کلمه یا عبارتی است که چگونگی انجام فعل را بیان می‌کند. (ناتل خانلری 1380 : 71)

ارزیابی

این تعریف از نظر زبان‌شناختی، دیگر کهنه شده و جایگاه چندانی در دستور زبان ندارد و ایراد بسیار به آن وارد است که از حوصله مقاله خارج است.

9- شخصیت بخشی به قید

افراد این طبقه دارای هیچ علامت صوری خاص که ساختمان آنها را متمایز گرداند، نیستند. مانند: همیشه، هرگز، همواره، هنوز، اکنون، البته و ... (باطنی 1381 : 175)

ارزیابی

این که در این گروه از قیدهای مختص هیچ علامت خاصی دیده نمی‌شود، تردیدی نیست، اما اینکه چرا و به چه دلیل در این تعریف اصطلاح «افراد» به کار رفته، برای ما روشن نیست.

10- قید (سازه نحوی)

قید یا متمم قیدی سازه‌ای نحوی است که به تمامی جمله یا فعل مربوط می‌شود و از نظر معنایی به یکی از مفاهیم زمان، مکان و جز این‌ها اشاره می‌کند. (مشکوٰۃ‌الدینی 1373 : 231)

ارزیابی

شاید علت اینکه در این تعریف اصطلاح «سازه نحوی» مطرح شده، این باشد که این دستور زبان بیشتر براساس زبان گشتاری (ساخت نحوی زبان فارسی) پی‌ریزی شده است، اما ایرادی که بر این نظریه وارد است، آن است که حوزه عملکرد قید، تنها «نحو» نیست. شاید منظور قیدهای مشترک بوده که تنها در نحو به کار می‌روند، در حالی که قیدهای مختص هم در صرف به کار می‌روند و هم در نحو. به عبارت دیگر هم جزو نوعند و هم جزو نقش.

11- یک تعریف استثنایی از قید

قید کلمه یا گروه کلمه یا جمله‌ای است که فعل یا صفت یا قید دیگر یا جمله‌ای را به چیزی مقید می‌سازد. به‌طور کلی می‌توان گفت قید برخلاف صفت، به اسم و جانشین اسم چیزی نمی‌افزاید. (شریعت 1367 : 299)

ارزیابی

چرا برای معرفی این قید «استثنا» عنوان شده است؟
زیرا در این تعریف تمامی ابعاد و زوایای قیدی به‌طور کامل از سوی معرف مطرح شده است. به نقاط قوت این تعریف توجه کنید.

1- قید: کلمه یا گروه کلمه و یا جمله‌ای است که ...

می‌بینیم که برای معرفی و شناخت قید در کمتر تعریفی اصطلاح «جمله» مطرح شده است.

بله! قید جمله نیز داریم که می‌توان آن را به قید ساده تأویل نمود.

مانند: او در حالی که می‌افتاد و برمی‌خاست، آمد. او افتاد و خیزان آمد.

2- قید: آن بخش از سخن است که می‌تواند جمله‌ای را نیز مقید خود سازد.

مانند: خوشبختانه دانشجویان ادبیات در آزمون دستور نمرات خوبی کسب کرده‌اند.

در این مثال، خوشبختانه، «قید» است و تمامی جمله را مقید و وابسته خود کرده است. پس با توجه به شواهد

بالا، «قید» از زوایای مختلف بررسی شده است.

12- قید یا بند

قید یا «بند» واژه‌ای است که چیزی به معنی مضمون جمله بیفزاید یا معنی فعل یا صفت یا قید دیگری را به چیزی محدود و مقید سازد. (خزائلی 1351: 132)

ارزیابی

شاید به‌کاربردن اصطلاح «بند» در این تعریف به آن دلیل باشد که کار قید در بند کشیدن واژه‌هایی چون فعل، صفت، مصدر، مسند، قید و جمله است.

قید: در بند کشیدن

نقطه قوت: افزودن مفهومی به مفهوم مضمون جمله

نقطه ضعف: طبق تعریف بیشتر صاحب‌نظران، این تعریف نیز قید را تنها واژه شمرده است، در حالی که قید، جمله‌واره (گروه) و یا حتی ممکن است جمله نیز باشد که مکرر به آن اشاره شده است و یا شاید منظور از اصطلاح

«بند» در این تعریف آن باشد که قید ممکن است به صورت «بند» یا جمله نیز به کار رود.

13- تعریف‌های بسیار نزدیک

الف: قید کلمه‌ای است که معنی و مفهوم فعل یا صفتی را به چیزی مقید می‌سازد. (مرزبان‌راد 1368 : 57)
ب: قید کلمه‌ای است که معنی و مفهوم فعل یا صفت یا کلمه دیگر را به چیزی مقید می‌سازد. (رشید یاسمی و همراهان 1368 : 57)

ارزیابی

این دو تعریف چنان به هم نزدیکند که گویی یک نفر آنها را بیان کرده، با این تفاوت که تعریف دوم اندکی برتر از اولی است. با اندکی تأمل در این دو تعریف، به تفاوت آنها پی خواهید برد.
با این حال، این تعریف‌ها، همانند بیشتر تعریف‌های قید، ناقص به‌نظر می‌رسد زیرا:
الف) در هر دو تعریف قید به عنوان کلمه معرفی شده، که این چنین نیست.
ب) قید تنها به فعل یا صفت محدود نمی‌شود.
البته در تعریف بند ب با قید کردن کلمه دیگر، این نقیصه تا حدودی اصلاح شده است.

14- قیدهای مختص دری

واژه‌های زیر در فارسی دری همیشه به عنوان قید به کار می‌روند:
آری، البته، الان، الحال، بله، چرا، چگونه، فقط، کی، کجا، هنوز، اکنون، ناگهان. (ابوالقاسمی 1381 : 283)

ارزیابی

در زبان دری ممکن است چنین واژه‌هایی به عنوان قید به کار روند، اما در زمان حال ایرادی که بر این تعریف وارد است، این است که واژه‌هایی از قبیل چگونه، کجا و الآن، همیشه به عنوان قید به کار نمی‌روند، بلکه ممکن است جز نقش قیدی نقش‌های دیگر نیز بپذیرند.
مانند: حال شما **چطور** است. او **کجاست**. **کجا** را دوست داری؟ به **کجا** می‌روی؟ و مانند این‌ها.
برخی از صاحب‌نظران واژه‌هایی مانند **الآن** را قید مشترک با اسم می‌دانند. (وحیدیان کامیار 1379 : 38)

15- تعریف ساختاری قید

گروه قیدی از یک واژه یا بیشتر ساخته شده که در ساختمان واحد بالاتر، یعنی بند، جایگاه ادات را اشغال می‌کند. (باطنی 1381 : 171)

ارزیابی

در این تعریف، قید از نظر ساختاری به‌طور نسبی معرفی شده و تمامی ابعاد آن تا حدودی منظور شده است. به نکات مثبت در این تعریف توجه نمایید.

الف) ذکر «گروه قیدی»: چون ممکن است قید از یک گروه ساخته شده باشد.

ب) ذکر «یک واژه یا بیشتر»: چون ممکن است قید از یک واژه یا بیشتر (منظور جمله‌واره) ساخته شده باشد.

ج) جای گرفتن در ساختمان واحد بالاتر (بند).

16- تعریف قید در دستور زبان انگلیسی

قید کلمه‌ای است که به‌جز اسم و ضمیر، تمام اقسام کلمه را مقید می‌سازد. (فرشیدورد 1380 : 199)

ارزیابی

این نظریه در بخش تعاریف بند (1) و بند (2-6) ارزیابی شده است.

17- تعریف قید در دستور زبان فرانسه

قید: کلمه‌ای است که صورت ثابت دارد. یعنی صرف‌ناشدنی است و آن به فعلی یا صفتی یا قید دیگر یا تمام جمله می‌پیوندد تا نکته‌ای را به مفهوم آنها بیفزاید. (ناتل خانلری 1380 : 209)

ارزیابی

باید دانست که بیشتر واژه‌ها در دوران باستان و میانه صرف نمی‌شدند. قید نیز تابع چنین مقرراتی است و بنابراین نمی‌تواند از این قانون مستثنی باشد.

19- معادل‌سازی قیدها

برخی از دستورنویسان، قید را از جهت معنی و مفهوم معادل‌سازی کرده‌اند. (خزائلی 1351 : 134-135):

«قید زمان: گاهان زمان

قید ترتیب: بندهای رده‌بندی

قید ایجاب: بندهای پاسخی

قید تکرار: بندهای بازگردان

قید مکان: گاهان مکان

قید تأکید: بندهای استوار

قید استثنا: بندهای اجرایی

قید وصف و حال: بندهای فروزه‌گون...»

ارزیابی

الف) در معادل‌سازی قیده‌ها معلوم نیست چرا بعضی به «گاهان» و بعضی به «بند» برگردانده شده است، البته به نظر می‌رسد اصطلاح **بند** در این تعریف مناسب‌تر باشد. چون معنی لغوی قید، **بند** است.

ب) در معادل‌سازی قیده‌های وصف و حال معلوم نیست چرا واژه «فروزه‌گون» انتخاب شده است. شاید علت آن باشد که چون قیده‌های وصف و حال، حرکات و سکنت‌آدمی را نشان می‌دهند، به چنین قیده‌هایی «فروزه‌گون» گفته شده است.

* * *

بخش دوم: اختلاف دیدگاه‌ها

در این بخش، که تنه اصلی مقاله را دربرمی‌گیرد، دیدگاه صاحب‌نظران دربارهٔ قید و نیز اختلاف‌نظر آنان در این خصوص تجزیه و تحلیل و سعی شده است تا نقاط قوت و ضعف هر کدام به‌طور جامع و از زوایای مختلف ارزیابی شود و در پایان نیز تعریفی پیشنهادی در این زمینه ارائه شده است.

1- تفاوت متمم اختیاری فعل و قید فعل

«متمم اختیاری فعل، اسمی است که با کمک حرفی از حروف اضافه در جمله می‌آید، در حالی که قید فعل از کلمات مشترک با صفت است و نیازی به حرف اضافه ندارد، مانند: او به آهستگی سخن گفت. او آهسته سخن گفت.» (ارژنگ: 1381: 86)

متعم اختیاری

قید

به این تعریف دو ایراد وارد است:

الف) قید تنها از کلمات مشترک با صفت نیست، بلکه ممکن است از کلمات مشترک با اسم نیز باشد. مانند: او روز کار می‌کند.

قید مشترک با اسم

ب) طبق نظر بالا، قید نیازی به حرف اضافه ندارد، در حالی که این تعریف درست به‌نظر نمی‌رسد. چون واژه‌هایی از قبیل به نرمی، به زحمت، به دقت، به شدت، به زور و مانند اینها، همگی قید مختص هستند و برخلاف نظریه بالا حرف اضافه نیز گرفته‌اند.

2- «خیلی»: قید مختص (وحیدیان کامیار 1379 : 106)

به مثال‌های زیر توجه نمایید.

خیلی، حقیقت را نمی‌پذیرند. خیلی: نهاد
خیلی را دوست دارم. خیلی: مفعول
به خیلی، توجه چندانی نمی‌شود. خیلی: متمم

پس واژه «خیلی» برخلاف نظریه بالا نمی‌تواند قید مختص باشد. چون قید مختص جز نقش قیدی، نقشی دیگر نمی‌پذیرد، اما در عمل می‌بینیم چنین نیست.

3- یک واژه بحث‌برانگیز (تفاوت دیدگاه‌ها)

واژه همیشه:

الف) گاهی خود را در مقوله صفت جای می‌دهد و با یای مصدری درمی‌آمیزد و حاصل مصدر می‌سازد. مانند: زندگی مؤمن جاویدان و همیشگی است. همیشگی: حاصل مصدر(اسم) و مسند همیشگی: همیشه بودن، جاویدان بودن، پیوستگی، مداوم.

ب) گاهی نیز خود را در مقوله اسم جای می‌دهد و با یای نسبت درمی‌آمیزد و صفت نسبی می‌سازد. استاد، لبخند همیشگی را بر لب دارد. همیشگی: صفت نسبی.

پس طبق شواهد بالا، همیشه قید مشترک با اسم و صفت است. دستورنویسان در مورد این واژه چه نظری دارند؟

همیشه: قید مختص (شریعت 1367: 200)

همیشه: قید مختص (وزین پور 1375 : 200)

همیشه: قید مشترک با اسم و صفت (معین 1371 : 5201)

همیشه: قید مشترک با اسم (وحیدیان کامیار 1379 : 106)

همیشه: قید مشترک با اسم و صفت (نگارنده)

باتوجه به قراین داده شده، واژه «همیشه» برخلاف نظر بیشتر دستورنویسان، قید مشترک با اسم و صفت است. (تنها نظر تقی وحیدیان کامیار در این زمینه صائب است).

4- یک قید جنجالی (تفاوت دیدگاه‌ها)

الآن: قید مختص (ابوالقاسمی 1381: 263)

الآن: قید مختص (فرشیدورد 1380: 38)

الآن: قید مختص (انوری - گیوی 1375: 222)

الآن: قید مشترک با اسم (وحیدیان کامیار 1379: 106)

الآن: قید مشترک با اسم (نگارنده)

لازم است اندکی در مورد واژه «الآن» سخن گفت و بعد قضاوت کرد که این واژه قید مختص است یا مشترک؟

آن: اسم عربی است به معنی وقت، دم، لحظه و زمان اندک. جمع: آنات

مانند: آن به آن (لحظه به لحظه) در یک آن (در یک لحظه)

گاهی حرف تعریف «ال» بر سر «آن» می‌آید و آن را معرفه می‌سازد.

در مثال‌های زیر دقت کنید:

واژه الآن، واژه‌ای بحث‌برانگیز الآن: اسم و مضاف‌الیه

الآن، زمان رفتن است الآن: اسم و نهاد

الآن می‌آیم. الآن: قید مشترک با اسم

پس طبق شواهد بالا و برخلاف تصور بیشتر دست‌نویسان، واژه «الآن» قید مشترک با اسم است. (تنها نظر تقی

وحیدیان کامیار در این مورد صائب است)

5- تفاوت دیدگاه‌ها

نظریه 1: واژه‌هایی از قبیل: آن‌طور، بس، کم و زیاد، چطور و مانند اینها قید مختصند. (وحیدیان کامیار 1379:

106)

نظریه 2: برخلاف نظریه بالا چنین واژه‌هایی قید مشترکند. (فرشیدورد 1380: 40)

به مثال‌های زیر توجه کنید.

یاوه‌گویی دیگر بس است. بس روزها که عمر به بطالت گذشته است. (به معنی روزهای بسیار

به کم و زیاد کارها باید دقت نمود. حال شما چطور است.

مستند

متمم

پس با توجه به شواهد بالا و برخلاف نظریه بند (الف)، چنین واژه‌هایی نمی‌توانند قید مختص باشند. چون جز

نقش قیدی، نقش‌های دیگری نیز پذیرفته‌اند.

6- تفاوت دیدگاه‌ها

6-1 تقریباً

قید مقدار: (فرشیدورد 1380 : 35)

قید مقدار: (مشکوٰۃ‌الدینی 1373 : 234)

قید تقریب: (فرشیدورد 1380 : 36)

قید تقریب: (ارژنگ 1381 : 92)

6-2 یک بار، دوباره، مکرراً

قید نوبت: (فرشیدورد 1380 : 35)

قید تکرار: (شریعت 1367 : 305)

قید تعداد: (وزین‌پور 1375 : 143)

قید نوبت یا تکرار: (نگارنده)

6-3 هرگز

قید نفی: (شریعت 1367 : 304)

قید زمان: (ارژنگ 1381 : 89)

قید نوبت: (فرشیدورد 1380 : 35)

قید نفی: (همان : 36)

قید زمان: (همان : 35)

قید نفی زمان: (نگارنده)

6-4 دیر یا زود

قید مختص: (مشکوٰۃ‌الدینی 1373 : 137)

قید مشترک: (وحیدیان کامیار 1379 : 106)

قید مشترک: (نگارنده)

6-5 قطره قطره، اندک اندک

قید تدریج: (خیام‌پور 1382 : 98)

قید کیفیت: (ارژنگ 1381 : 88)

قید مقدار: (شریعت 1367 : 233)

قید تدریج: (انوری - گیوی 1382 : 233)

قید جفت: (وزین پور 1375 : 140)

قید تدریج: (نگارنده)

6-6 گاه‌گاه

قید زمان: (فرشیدورد 1380 : 89)

قید تکرار: (مشکوٰۃ‌الدینی 1373 : 234)

قید زمان: (شریعت 1367 : 303)

6-7 هم، هم‌چنین، نیز

قید مساوات: (خزائلی 1351 : 135)

قید تأکید: (شریعت 1367 : 304)

قید افزایش: (ارژنگ 1381 : 93)

قید تکرار: (شریعت 1367 : 305)

قید تأکید: (نگارنده)

6-8 گویی

قید مختص: (وحیدیان کامیار 1379 : 106)

قید مشترک: (شریعت 1367 : 300)

7- در مورد واژه‌هایی چون: دور، زیر، کنار، نزدیک، بالای، اطراف، روی و مانند این‌ها، به‌جز دو سه نفر از

دست‌نویسان، سایرین معتقدند که این واژه‌ها «قید مکان» هستند. با این حال در مورد این واژه‌ها اختلاف نظر است. به

مثال‌های زیر توجه نمایید:

1- ماه دور خورشید می‌چرخد. دور: قید مکان (شریعت 1367 : 303)

2- ماه دور خورشید می‌چرخد. دور: حرف اضافه (وحیدیان کامیار 1367)*

3- ماه دور خورشید می‌چرخد. دور: متمم فعل (مشکور 1350 : 122)

4- ماه دور خورشید می‌چرخد. دور: قید مکان (فرشیدورد 1380 : 43)

* این نقل قول بخشی از سخنرانی آقای وحیدیان کامیار است.

5- ماه دور خورشید می‌چرخد. دور: متمم (همان: 43)

نکته (1): واژه‌هایی مانند: بالای، پایین، کنار، نزدیک، دور، جلو، زیر و مانند این‌ها زمانی که همراه کسره بیایند حرف اضافه‌اند. شاهد مثال: ردیف 2.

نکته (2): چنین واژه‌هایی در اصل اسم مکان و جهت هستند و حرف اضافه آنها حذف شده، به عبارت دیگر حروف اضافه چنین واژه‌هایی در تقدیر است و بنابراین در نقش متمم فعل به کار می‌روند. شاهد مثال: ردیف 3

8- آیا قید کیفیت و چگونگی همان قید حالت است؟

قید چگونگی همان قید حالت است و تفاوتی با آن ندارد و در یک مقوله جای دارند. (فرشیدورد 1380: 35)
قید چگونگی غیر از قید حالت است و در دو مقوله جای دارند. (ارژنگ 1381: 88-89)

9- قیدهای نشانه‌دار و بی‌نشانه

9-1) واژه‌های تنوین‌دار جزو گروه قیدهای نشانه‌دار هستند. (وحیدیان کامیار 1379: 104)

آیا واژه‌هایی از قبیل: مضاف‌الیه، مشارالیه، معظّم‌له، مقسوم‌الیه و مانند اینها نیز که تنوین دارند، قید به‌شمار می‌روند؟ واژه‌های تنوین‌دار همگی قید نشانه‌دار نیستند، بلکه تنها واژه‌هایی که پسوند (an): (ان) (تنوین نصب) دارند، قید نشانه‌دار هستند، نه همه واژه‌های تنوین‌دار.

9-2) ذکر این همه واژه تنوین‌دار برای چیست؟

در زمینه واژه‌های تنوین‌دار حدود 68 مورد شاهد مثال آورده شده است (همان). حال باید دید منظور تمامی واژه‌های تنوین‌دار بوده است؟ اگر چنین است آیا قیدهای تنوین‌دار از قبیل: حتماً، مسلماً، یقیناً، قطعاً، اصلاً، ابداً و مانند این‌ها که ذکری از آن‌ها به میان نیامده، برای شاهد مثال در مقایسه با قیدهایی از قبیل: معناً، نفیاً، مرحمتاً، شکلاً، رأساً، بهتر به نظر نمی‌رسد؟ قضاوت با شماست.
وانگهی ذکر این همه واژه تنوین‌دار (حدود 68 مورد) به عنوان شاهد مثال ضرورتی ندارد، بلکه ذکر دو یا سه مورد کافی به نظر می‌رسد.

9-3) آیا تکرار واژه، «نشانه» به‌شمار می‌رود؟

«واژه‌هایی از قبیل: دسته‌دسته، آهسته‌آهسته، تندتند و سایر واژه‌های تکراری قیدهای نشانه‌دار هستند؟» (وحیدیان 1379: 105) اما واژه‌هایی از قبیل: آخر الامر، علی‌الخصوص، بالعکس، حتی الامکان، فی‌المثل، عاقبت الامر، فی‌الجمله، فی‌البدایه و مانند اینها، که همگی دارای نشانه (ل) می‌باشند، جزو گروه قیدهای بی‌نشانه‌اند؟
قضاوت با شماست.

10- چند مفهوم نو و تا حدودی ناآشنا و دور از ذهن از زبان چندتن از کارشناسان معروف دستور

زبان

الف) به نظر، به گمان: قید مطابقه (ارژنگ 1381: 91)

هم چنین، نیز، هم: قید افزایش (همان: 93)

دیر و زود: قید کیفیت (همان: 88)

با اندوه فراوان: قید نگرش (همان: 91)

اندک اندک: قید کیفیت (همان: 88)

ب) هرگز، هیچ: قید شماره (فرشیدورد 1381: 35)

تقناً و تیمماً: قید مقصود (همان: 36)

شرقاً، غرباً: قید جهت (همان: 35)

کتباً و قلاماً: قید وسیله (همان: 36)

العیاذبالله: قید نفی (همان: 36)

ج) در تاریکی: قید وضعیت (مشکوٰةالدینی 1373: 234)

برای: قید منظور و هدف (همان: 235)

ولی و اما: قید تقابل و تباین (همان: 236)

خانه به خانه: قید دقت (همان: 234)

بالاخره: قید نتیجه و حاصل (همان: 236)

* * *

بخش سوم: پیشگامان عالم قید

پیشگامان مقوله قید از حیث کثرت در معانی و مفاهیم نو: غلامرضا ارژنگ، خسرو فرشیدورد

پیشگامان مقوله قید از حیث دستور تاریخی زبان: محسن ابوالقاسمی، پرویز ناتل خانلری

پیشگامان مقوله قید از حیث دستور زبان معیار: تقی وحیدیان کامیار، غلامرضا ارژنگ

پیشگامان مقوله قید از حیث توصیف ساختاری زبان: محمدرضا باطنی

پیشگامان مقوله قید از حیث معادل‌سازی مفاهیم: محمد خزائلی
پیشگامان مقوله قید از حیث مبانی علمی: احمد شفایی
پیشگامان مقوله قید از حیث مردمی: احمدی گیوی
پیشگامان مقوله قید از حیث گستردگی مطالب: خسرو فرشیدورد (وصف قید در 173 صفحه)
پیشگامان مقوله قید از حیث قدمت و کهنگی: پرویز ناتل خانلری (قدیمی‌ترین تعریف)
پیشگامان مقوله قید از حیث کمیت مفاهیم: پرویز ناتل خانلری (با ذکر سه مورد: قید مکان، زمان، حالت)
پیشگامان مقوله قید از حیث ایجاز در معرفی قید: غلامرضا ارژنگ، علی مرزبان‌راد
پیشگامان مقوله قید از حیث شیوایی و رسایی در معرفی قید: تقی وحیدیان کامیار (معرفی قید به صورت مختصر و مفید)

پیشگامان مقوله قید از حیث شخصیت‌بخشی: محمدرضا باطنی
پیشگامان مقوله قید براساس نظریه زبان‌گشتاری: مهدی مشکوة‌الدینی
پیشگامان مقوله قید از حیث کثرت در ذکر شواهد: تقی وحیدیان کامیار
(وی برای معرفی قیده‌های مشترک با صفت، حدود یکصد شاهد مثال ذکر کرده است).

گردنه‌های پرپیچ و خم مقوله قید: قیده‌های نشانه‌دار و بی‌نشانه
برکاربردترین نوع قید از نظر معنی: قید مکان، زمان، حالت
هم‌زبانان مقوله قید: متمم اختیاری، متمم قیدی
قیده‌های بحث‌برانگیز از حیث طبقات دستوری: همیشه، الان، گویی، بس، چطور
قیده‌های همسایه با مفاهیم نزدیک به هم:
الف) قیده‌های کیفیت، چگونگی، حالت
ب) قیده‌های تأکید، تصدیق، ایجاب
ج) قیده‌های ترتیب، نوبت، تکرار

نتیجه‌گیری

مبحث قید از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مباحث دستور زبان است که متأسفانه ناشناخته باقی مانده و تعریف درست و دقیقی از آن نشده است و تعاریف موجود، کامل و طبقه‌بندی نیست. از مباحث مندرج در این گفتار نتیجه می‌گیریم:

1- در تعریف قید از سوی بیشتر دستورنویسان، چه کهن و چه نو، دو مفهوم زیر بیشتر مشهود است:

الف - قید: کلمه یا گروهی از کلمات است که مفهومی تازه به مفهوم فعل و گاهی نیز صفت یا قید دیگر می‌افزاید و توضیحی درباره آن می‌دهد.

ب - قید: کلمه‌ای است که فعل به آن نیاز ندارد و به همین دلیل می‌تواند از جمله حذف شود که البته هیچ‌یک از تعاریف بالا دقیق و جامع نبوده و تمامی ابعاد قیدی در آن لحاظ نشده است.

بند (ب) تعریفی مجمل و مختصر از قید است، اما درخصوص بند (الف) چند ایراد وارد است:

1. قید: ممکن است علاوه بر کلمه یا گروه، از جمله نیز ساخته شود. یعنی «قید جمله» نیز داریم که قابل تأویل به یک واژه است. مانند: او در حالی که می‌خندید، آمد، که می‌توان گفت: او خندان آمد.

2. قید علاوه بر افزودن مفهومی تازه به فعل، صفت، مصدر و قید دیگر، ممکن است مفهومی تازه به مسند و حتی جمله نیز بیفزاید و کل جمله را مقید و وابسته خود کند. مانند: او بسیار داناست. خوشبختانه دانشجویان در درس دستور موفق هستند. قید مسند قید جمله

این موضوع در تعریف‌های هیچ‌یک از دستورنویسان مشهود نیست و از دید بیشتر صاحب‌نظران پوشیده مانده است.

2- به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریف قید، که بیشترین ابعاد قیدی در آن مشهود است، از محمدجواد شریعت است.

3- اصطلاح قیده‌های نشانه‌دار و بی‌نشانه از سوی کارشناسان دستور زبان (چه کهن و چه نو) کمتر مطرح شده و این امر تنها اختصاص دارد به یکی از صاحب‌نظران که در متن مقاله به آن اشاره شده است.

4- تعاریف مختلف قیدی از نظر زبان‌گشتاری، زبان علمی، زبان ساختاری، زبان تاریخی، زبان معیار و سایر زبان‌ها، تجزیه و تحلیل و نیز نقاط قوت و ضعف هرکدام جداگانه ارزیابی شده است.

5- آنچه در مقوله قید بحث‌برانگیز است و حرف و حدیث‌های زیادی را در پی دارد، اختلاف نظر دستورنویسان درباره انواع قید از نظر معنی و مفهوم است که این موضوع در مبحث «پراکندگی در مقوله قید» - که تئ اصلی مقاله را در بر می‌گیرد - به طور مشروح بیان شده است.

6- واژگان همیشه، دیر و زود، گویی، الان و ...، بیشترین اختلاف نظر را از نظر طبقات دستوری در مقوله قید به وجود آورده است که در جای خود این موضوع نیز با شواهد و قراین کافی تجزیه و تحلیل شده است.

7- از نظر خلاقیت و نوآوری در معانی و مفاهیم بدیع و نو، دو تن از کارشناسان دستور زبان سرآمد دیگران هستند. (ارژنگ - فرشیدورد)

برای مثال یکی از ایشان به 42 مورد از انواع قید (از حیث معنی و مفهوم) اشاره کرده که در نوع خود بی‌نظیر است. (ارژنگ 1381: 86)

8- از نظر گستردگی و شرح مطالب درخصوص معرفی قید، یکی از صاحب‌نظران این فن توانسته است قید را به‌طور جامع و مشروح در 173 صفحه معرفی کند که این ابتکار نیز در نوع خود بی‌نظیر است. (فرشیدورد 1380: 69)

9- تعریف پیشنهادی

الف) تعریف مختصر قید:

قید: کلمه‌ای است که اگر آن را از داخل جمله حذف کنیم، خللی در معنی و مفهوم جمله حاصل نشود، به شرط آن که بعد از کسره نیاید. چون هر کلمه‌ای بعد از کسره بیاید قید نیست، بلکه صفت یا مضاف‌الیه است. باید توجه داشت که این تعریف در همه موارد صدق نمی‌کند و این مصداق نسبی است نه مطلق ...
ب) تعریف جامع قید که تمامی ابعاد و زوایای آن را دربر می‌گیرد:

قید: کلمه یا گروه کلمه یا جمله‌ای است که مفهومی تازه به مفهوم فعل و نیز گاهی به مفهوم صفت یا مسند یا مصدر یا قید دیگر یا جمله‌ای می‌افزاید و توضیحی دربارهٔ آنها می‌دهد و آنها را با مفاهیم جدید مقید و وابستهٔ خود می‌کند که البته از هر نوعی که باشد، از جمله قابل حذف است و فعل به آن نیازی ندارد.

کتابنامه

- ابوالقاسمی، محسن. 1381. دستور تاریخی زبان فارسی. ج 3. تهران: سمت.
ارژنگ، غلامرضا. 1381. دستور زبان فارسی امروز. ج 3. تهران: قطره.
انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن. 1375. دستور زبان فارسی. ج 2. ج 13. تهران: فاطمی.
_____ . 1379. دستور زبان فارسی (1). ج 25. تهران: فاطمی.
_____ . 1382. دستور زبان فارسی (2). ج 22. تهران: فاطمی.
باطنی، محمدرضا. 1381. توصیف ساختمان دستور زبان فارسی. ج 13. تهران: امیرکبیر.
خزائی، محمد. 1351. دستور زبان فارسی جاویدان. ج 1. تهران: جاویدان.
خیام‌پور، عبدالرسول. 1382. دستور زبان فارسی. ج 11. تبریز: ستوده.
رشید یاسمی و هم‌راهان. 1368. دستور پنج استاد. ج 6. تهران: اشرفی.
شریعت، محمدجواد. 1367. دستور زبان فارسی. ج 3. تهران: اساطیر.
شفایی، احمد. 1363. مبانی علمی دستور زبان فارسی. ج 1. تهران: نوین.
طالقانی، سیدکمال. 1361. اصول دستور زبان فارسی. ج 17. تهران: امیرکبیر.

- فرشیدورد، خسرو. 1380. گفتارهایی درباره دستور زبان. چ 3. تهران: امیرکبیر.
- مرزبان راد، علی. 1368. دستور سوئدمنده. چ 6. تهران: مؤسسه اطلاعات.
- مشکور، محمدجواد. 1350. دستورنامه. چ 7. تهران: مؤسسه مطبوعاتی شرق.
- مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی. 1373. دستور زبان فارسی. چ 3. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- معین، محمد. 1371. فرهنگ فارسی. ج 4، چ 8. تهران: امیرکبیر.
- ناتل خانلری، پرویز. 1373. دستور تاریخی زبان فارسی. چ 1. تهران: توس.
- _____ . 1380. دستور زبان فارسی. چ 18. تهران: توس.
- نهج‌البلاغه. 1351. ترجمه علی نقی فیض‌الاسلام. چ 1. تهران: تهران.
- وحیدیان کامیار، تقی. 1379. دستور زبان فارسی (1). چ 1. تهران: دانشگاه تهران.
- وزین‌پور، نادر. 1375. دستور زبان فارسی. چ 3. تهران: معین.